بسم الله الرحمن الرحیم

.: روش تحصیل علوم عقلی، استاد بغدادی :.

# دایره علوم عقلی

در رأس علوم عقلی فلسفه و کلام است. منطق هم به عنوان مقدمه هست. پس منطق و فلسفه و کلام. عرفان نظری هم هست که در حد یک جلسه می پردازیم. پنجم هم یک کار فنی در آیات و روایات است؛ یعنی شاید اسم مرسومی در علوم نداشته باشد و ذیل همان تفسیر آیات قرآن محسوب می شود ولی قطعا باید کار فنی و اجتهادی روی آیات و روایات، به عنوان یک علم شناخت بشه و روش تحصیلش عرض بشود.

پس علوم عقلی پنج مورد است:

\* منطق

\* کلام

\* فلسفه

\* عرفان نظری

\* فهم اجتهادی ِآیات و روایات اعتقادی و معارفی

# منظور از علوم عقلی

منظور از علوم عقلی، فقط آن علومی نیست که با روش برهانی و عقلیِ محض بهش پرداخته میشه که تهش فقط منطق و فلسفه بمونه. نه! در عبارت بزرگان و حضرت آقا و امام هست که علوم عقلی به معنی عام کلمه‌؛ یعنی علومی که مربوط به معارف و اعتقادات و حکمت است. به یک معنا، علوم تکوینی و حقیقی در مقابل علوم اعتباری. این جلسه به هویت علوم عقلی و ابعاد و نسبت های آن ها باهم بپردازیم. همچنین میخوایم میزان اینکه هرطلبه ای چقدر باید در این علوم کار کنه رو بهش بپردازیم.

# شبکه مسائل

در ادامه به این مسائل می پردازیم:

1. جایگاه علوم عقلی در منظومه علوم اسلامی

2. علوم اسلامی مگه چند بخش داره که یه بخشش علوم عقلی هست؟

3. اهداف علوم عقلی

4. نسبت بین این علوم

میخوایم به این سوالات بپردازیم.

## 1. جایگاه علوم عقلی در منظومه علوم اسلامی

### امام خمینی؛ از بهترین اشخاصی که به این مساله پرداخته اند

قدم اول جایگاه علوم عقلی است. شاید بتونم بگم از بهترین کسایی که این مساله رو توضیح دادن، حضرت امام خمینی رحمه الله علیه هستند. ببینید در روش تحصیل علوم عقلی، دیدگاه ها و روش های مختلفی است. ما سعی داریم مبنامون رو در بحث های روشی، حضرت آقا و حضرت امام بگذاریم. رویکرد های کلان رو بر پایه حرف این دو بزرگوار میزاریم. دیگه بحث نمی کنیم که فلسفه رو باید بخونیم یا نباید بخوانیم.

مجتهدین علوم عقلی مثل علامه حسن زاده، علامه طباطبایی، علامه جوادی، و...، تقریبا حضرت امام و حضرت آقا، بیان منسجمی از همین نظرات بزرگواران هستند. این بزرگواران که معتقد به علوم عقلی هستند، اختلاف بنیادی ای باهم ندارند. یه طیفی هم علوم عقلی رو لازم نمیدونن.

### توضیح جایگاه علوم عقلی از چهل حدیث امام خمینی رحمه الله علیه

#### سه علم مورد نیاز انسان به تناسب سه نشئه انسانی؛ عالَمِ دنیا و برزخ و قیامت

عبارت چهل حدیث حضرت امام؛ (حدیث بیست و چهار) خیلی روان هست، قدر بدونید. عبارت اینه:

"انما العلم ثلاثه؛ آیة محکمة، فریضة عادله، سنة قائمة و ماخلاهنّ فضل"

علمای زیادی سعی بر شرح این حدیث داشتند از جمله حضرت امام. ایشان می فرمایند:"اساس علوم حقیقی\_اسلامی به تناسبِ سه نشئه انسان، سه دسته هستند. یعنی همانطور که انسان سه بُعد و سه عالَم دارد(عالم مُلک یعنی دنیا و عالم ملکوت یعنی برزخ و عالم جبروت یعنی قیامت) انسان به تناسب این سه عالم، به سه علم نیاز دارد. علومی که تمرکزش روی تدبیر و هدایت انسان در دنیاست. علومی که تمرکزش روی تدبیر و هدایت انسان در برزخ است و علومی که تمرکزش روی هدایت و رشد انسان در قیامت است. بعد شروع می کنن مصداقی بیان می کنند، این جاش خیلی مهمه. میگن به طور خاص علوم عقلی متناسب با رشد و کمال قیامتی هست.

#### اهمیت حدیث 24 چهل حدیثِ امام خمینی

شرح حدیث بیست و چهار چهل حدیث، یک نقشه بدست ما می دهد. خیلی مهمه. معمولا همه ذهنیتشون اینه که فقه و اصول تنه است و بقیه شاخ و برگ است. این جا یکی مثل حضرت امام نیاز هست که یک نقشه جامع بدست ما بدهند که علوم اسلامی، سه محوری هست نه تک محوری (فقه). یه دسته از آن علوم، علوم سلوکی-اخلاقی-تهذیبی است که مربوط به عالم برزخ است. این دسته دوم است.

یک دسته هم علومی است که معروف است به علوم نقلی.

#### معرفی صوت جلسه "نظام علوم اسلامی طبق سه نشئه عالم

ما این شرح حدیث بیست و چهار را در دو جلسه (نظام علوم اسلامی طبق سه نشئه عالم) به طور مفصل شرح دادیم، می توانید رجوع کنید. این دو جلسه خیلی مهم است. یک نقشه جامع از علوم اسلامی دستتون میاد و مکمل این جلسه است. اگه این نگاه امام به نظام علوم اسلامی رو نداشته باشیم، سلوک حوزوی مون به هم می ریزد.

#### ادامه عبارت مرحوم امام

#### علومِ مربوط به عالَمِ قیامت؛ علوم عقلی

ادامه عبارت امام:" اما علومی که تقویت و تربیتِ عالمِ روحانیت و عقل مجرد را کند(همان عالم قیامت)؛ ۱. علم به ذات مقدس حق و معرفت اوصاف جمال و جلال ۲.علم به عوالم غیبیه تجردیه از قبیل ملائکه و اصناف آن، از اعلی مراتب جبرت اعلی و ملکوت اعلی تا ذخیره ملکوت اسفل و ملائکه ارضیه. ۳. علم به انبیا و اولیا و مقامات و مدارج آنها و ۴. علم به کتب منزله و کیفیت نزول وحی و تنزل ملائکه والروح ۵. علم به نشئه آخرت و کیفیت رجوع موجودات به عالم غیب و حقیقت عالم برزخ و قیامت و تفاصیل آنها.

#### روح علوم عقلی

بعد امام میخوان روح علوم عقلی رو بگن: **و بالجمله علم به مبدا وجود و حقیقت و مراتب آن و قبض و بسط و ظهور و رجوع به آن. متکفل این علم پس از انبیا و اولیا علیهم السلام، فلاسفه و اعاظم حکما و اصحاب معرفت و عرفان هستند**. امام آخر کار نکته خیلی مهمی میگن: و باید دانست هر یک از این مراتب ثلاثه انسانی که ذکر شد، به طوری به هم مرتبط است که آثار هر یک به دیگری سرایت می کند؛ چه در جانب کمال یا در طرف نقص.

#### طلبه مطلوب؛ جامع این سه بُعد

این نکته خیلی مهم است و نتیجه روش تحصیلی مهمی دارد و آن هم این است که طلبه مطلوب و تحصیل مطلوب، تحصیل جامع بین این سه علم است. یعنی اگر کسی فقط بره تو علوم عقلیه یا فقط بره تو بحث های اخلاقی یا فقط بره تو فقه و اصول، آخرش ناقص است. انحراف نیست ولی مطلوب هم نیست.

#### خود مرحوم امام مصداق این جامعیت + درد تخصّص گرایی

خود امام در هر سه دسته علم، کار فنیِ جدیِ اجتهادی کردن! لذا به این راحتی نمیشه فقه و اصول امام را قضاوت کرد. این فقه و اصول از یک وجود جامعی برخوردار هست که وقتی می خواد حرف بزنه، حواسش به بحث های معارفیش و پشتوانه های فلسفی و اخلاقیش هست. خب اینطور شخصیتی فرق داره با کسی که فقط در یک زمینه کار کردند. یکی از مشکل های امروز حوزه ما، درد تخصص گرایی است. میگن دیگه دوره جامعیت گذشت و سخت است و... دوران علامه گذشت و... من نمیگم این حرف غلطه، ولی باید تبیین درست بشه که تا کجا همه باید این سه را پیش ببرند؟ این رو در آن دو جلسه که عرض کردم، ببینید.

این قدم اول.

## 2. اهداف علوم عقلی

قدم دوم اهداف علوم عقلی هست. پنج مورد گفتیم. بزرگانی که می خواستند مجتهد در علوم عقلی بشن، در این ۵ علم به صورت جدی کار می کردند به صورت درسی. شما باید این ۵ مورد رو در یک نظام یکپارچه ببینید.

### علم منطق

بزرگان خاصه روی باب برهان منطق، حساب ویژه ای باز می کردند که توضیحاتی میدم.

### علم کلام

وقتی کلام گفته می شود غالبا چند کتاب خاص به ذهن میاد. کلام به معنی الاعم مد نظر هست. هرچه مرتبط به عقاید اسلام می شود. سه جلسه گعده کلام هست. حتما گوش بدید. نکات مهمی توش هست.

### علم فلسفه

بزرگان کار جدی هم در فلسفه می کردند. خاصه روی حکمت متعالیه. توصیح مفصل میدم.

### عرفان نظری

در این هم بعصی از بزرگان مثل خود حضرت امام، کار جدی می کردند. البته این برای معدودی از طلاب و آن هم بعد از گذراندن مقدماتی، آن هم با اساتید مطمئن، توصیه می شود.

### تفسیر آیات و روایات

این بخش کمتر برجسته است. این رو بدونید که اصلا این بزرگان، وقتی روی منطق و باب برهانش، بعد روی کلام به معنی الاعم، بعد فلسفه و بعد حکمت نظری کار می کردند، همه این مراحل رو طی می کردند تا به این مرحله پنجم برسند. کلاس های ویژهِ تفسیر آیات و روایات معارفی می رفتند. مثلا کتاب توحید صدوق، یکی از کتابای درسیِ رسمیِ این بزرگان بوده. این کتاب کاملا روایی هست.

#### مبادی اجتهاد معارفی؛ منطق و کلام و فلسفه و عرفان نظری، مقدمه ای برای نشستن سر سفره آیات و روایات معارفی

ببینید دقیقا مثل یک مجتهد فقه و اصول که یه سری مبادی را فرا می‌گیرد و بعد در درس خارج میشینه سر سفره آیات و روایات تا روی آن ها بررسی فقهی انجام بده. به وزان همین این بزرگان این ۴ تا رو( منطق\_فلسفه\_کلام\_عرفان نظری) رو طی می کردند تا بشینن سر سفره آیات و روایات تا استفاده معارفی، اعتقادی کنند. یعنی این ۴ تا مبادیِ اجتهاد در آیات و روایات معارفی هست.

این یک توضیح اجمالی از ۵ تا علم. تفصیل هر کدام را یا عرض کردیم مثل منطق و کلام یا عرض می کنیم مثل فلسفه و عرفان نظری و برنامه عملیاتی برای آیات و روایات. حالا اجمالا عرض می کنم:

برای منطق؛

غالبا یک منطق خلاصه می خونن بعد یک منطق تفصیلی تر می خونن(مظفر الان منطق تفصلی ماست)، اونایی که می خوان در علوم عقلی مجتهد بشن، برهان شفا رو به صورت درسی می خونن. برهان شفا مرحله نهایی تحصیل منطق است برای کسی که می خواد مجتهد علوم عقلی بشه.

برای کلام؛

خیلی اصرار دارم که کلام مرسوم رو از کلام مطلوب جدا کنید. در کلام مرسوم چند کتاب است، محوری ترین کتاب که بزرگان می خوندن و هنوزم می خونن، کشف المراد است. تو این شکی نیست که کتاب لازمی است. اما نکته این است که فکر نکنید کلامی که بزرگان می خوندن، منحصر به همین کتابا بود. کلام به معنی الاعم دارد که کار روی تمام ابعاد اعتقادی اسلام است. آن سه جلسه کلام رو گوش بدید.

برای فلسفه؛

بدایه و نهایه می خوندن بعد شرح منظومه می خوندن، بعد اشارات و بعد اسفار. این سیری بوده که می خوندن.

برای عرفان نظری؛

سه تا کتاب درسی از قدیم بوده: تمهید القواعد - شرح فصوص - مصباح الانس. عرفان نظری که میگیم نه صوفی گری و خانقاهی و ... ، اینا انحراف است.

#### مرور بحث تا اینجا

خب تا این جا در قدم اول، یک هندسه کلان علوم اسلامی رو از امام دیدیم، بعد جایگاه علوم عقلی رو روشن کردیم. در قدم دوم، علوم عقلی رو بیان کردیم. در قدم سوم می خوایم وارد نسبت این علوم رو عرض کنیم و اینکه چه افرادی، با چه سطحی، این علوم رو بخونن. البته پاسخ به این سوال مشکل است. نسخه واحدی وجود ندارد. نباید بگیم چون امام گفتن، این سه نشئه نیاز است پس همه طلبه ها باید جامع بشن. هرکسی باید هدف کلان حوزوی، ماموریت اصلی زندگیش چیست؟ این رو حضرت آقا در صحبت هاشون تبیین کردن ( حوزه مطلوب خیلی مهم است. اون پایه است) ابتدا باید تصمیم بگیرید کجای آن پنج مسیر قرار بگیرید. حضرت حجت ارواحنا فداه به این پنج تا نیاز دارند به صورت یکسان. هرکدوم نباشه کار می لنگه.

## 4. پنج دسته طلاب و مقدار احتیاج آن ها به علوم عقلی

اجمالا می خوام بگم این پنج دسته، چه مقدار به علوم عقلی نیاز دارن:

### دسته اول؛ مجتهد فقهی

جواب این سوال سخت است ولی خوشبختانه یک متخصص بزرگ به نام علامه طباطبایی رحمه الله علیه جواب این سوال رو دادند. در فلسفه ایشون گفتن بدایه و نهایه برای کسی است که می خواد مجتهد فقهی باشد.

منطق رو چی؟ منطق، به تناسبی که برای بدایه و نهایه لازم است. از کجا فهمیم چقدر منطق برای بدایه و نهایه لازم است؟ نهایه یه المدخلی دارد که یه سری بحث های مهم برهان رو آوردن. این نشون میده همچین آدمی باب برهان رو هم باید یه مقدار تا حد خوبی بخونه.

درکلام چی؟ کلام چون یک مبادی فقه محسوب می شود، کلام خیلی جدی برای این دسته مهم است. البته جدی نه در حد اجتهاد. ولی خیلی بیشتر از فلسفه نیاز است. مثلا اگر بدایه و نهایه دوره تحصیلش چهارسال طول بکشه، کلام پنج، شش سال طول میکشه. حالا چطور و چه کتابایی، در جلسه کلام و کتاب شناسیش عرض می کنم.

در عرفان نظری چطور؟ میشه گفت اصلا لازم نیست.

در آیات و روایات معارف چی؟ اینکه یه مقدارش لازم است شکی نیست، اینکه چه مقدار باید صحبت کنیم ولی لازمه اجتهاد فقهی، اجتهاد در آیات و روایات معارفی نیست.

### دسته دوم؛ مجتهد عقایدی

مجتهد عقایدی باید تفکیک کنیم. کسی میتونه مجتهد در کلام باشد ولی لزوما مجتهد در عرفان نظری نباشه. کسی میتونه مجتهد در فلسفه باشه ولی لزوما مجتهد در کلام نباشد. البته آن مجتهد جامعی که مسلط به تمام علوم عقلی باشد، باید روی این پنج تا علم عقلی مسلط باشد. میدونید مجتهدین هم مراتبی دارد. کسایی که مثل علامه طباطبایی، ملاصدرا اینا اوج هستن و طبیعتا باید روی ۵ تا مسلط باشند. پس شما خواستی مجتهد عقایدی باشی، لازم نیست روی همه اینا کار اجتهادی کرده باشی. میشه کسی مجتهد عقایدی با رویکرد فلسفی باشه یا با رویکرد کلامی و لزومی نداره که مجتهد عقایدی با رویکرد فلسفی در کلام به اجتهاد رسیده باشه و بالعکس. اینا تنافی باهم ندارد. البته ببینید این دسته، این ۵ تا رو باید تا یه حد مشترکی بخونن که توضیح میدیم.

یه نکته: آقا پنج مسیر کردن ولی بعضی می خوان جامع دو یا پنج مسیر بشن، خب اینا خیلی افراد کمی هستن. شاید در حوزه شاید ۲۰،۳۰ نفر بتونن جامع بشن؛ یعنی هم مجتهد فقه بشن، هم مجتهد عقایدی. یعنی هم مصداق دسته اول باشن هم مصداق دسته دوم. البته راه مشکلی است. سه چهارم همت لازم است و یک چهارم استعداد.

### دسته سوم؛ علمای بلاد

علمای بلاد، اون وجهه خاصِ کارشون، تربیتِ یه مجموعه عظیم است؛ یه شهر، یه روستا. مثلا خود امام و آقا بزرگترین عالم بلاد هستن دیگه، عالم بلاد کل جهان اسلام هستن. یکی از مولفه‌های این دسته، اینه که بعد تحصیل، هجرت کند به یه جایی. اینا از صحبت های آقاست.

علمای بلاد بستگی داره هدفشون رو چی گذاشته باشن، علمای بلاد درجه یک اونایی هستن که قریب الاجتهاد یا اجتهاد تجزی دارن یعنی میخوان مجتهد بشن بعد هجرت بکنن؛ خب این می تونه یا مجتهد فقهی باشه یا مجتهد عقایدی. این دیگه بستگی به احساس وظیفش داره یا اون موقعیت جغرافیایی که می خواد هجرت کنه یا چی نیاز هست و ... . به طور کلی کسی که بخواد علمای بلاد شود، یکی از اون پنج علوم عقلی خیلی براش لازم است؛ کلام. آن هم کلام مطلوب نه کلام مرسوم. هرچی بیشتر در کلام مطلوب کار کنه، بیشتر به کارش میاد.

### دسته چهارم؛ مبلغ داخلی

#### فرق مبلّغ با عالم بلد

نکته: فرق مبلغ با علمای بلاد چی هست؟ اجمالا اینکه آقا یه هویت هنری\_رسانه ای به تبلیغ میدن به خلاف علمای بلاد که هویت تمرکز روی منطقه خاص با اهداف خاص می شمارند. یا مثلا آقا شهید مطهری رو در قسمت مبلغ می شمارند. خب این دیگه بستگی به شما داره که تو چه سطحی می خواید مبلغ بشید. اگر بخواید مثل شهید مطهری مبلغ بشید که امروزه ما به شدت بهش نیاز داریم، چقدر باید در علوم عقلی کار کنید؟ خیلی لازم است، یعنی کلام مطلوبش در حد اجتهاد لازم است؛ که اصلا آقا، شهید مطهری رو الگوی یگانهِ کلام مطلوب میدونن. این بیان خیلی عجیبی است. آقا میگن: هیچ کسی مثل شهید مطهری نتونست عقاید اسلامی را در حیطه گسترده با عمق وسیعی، به توده مردم و نخبگان برساند. آقا خیلی اصرار دارند روی الگوی یگانه مجتهد مطلوب شهید مطهری است. ما این رو در "شش جلسه سیر مطالعاتی مخصوص جلسه دو سه"، توضیح دادیم. خیلی هم مهم است. خیلی از این پراکنده خوانی ها رو کنار بزارید و یه کار جدی روی آثار شهید مطهری بکنید، اونجا توضیح دادم. اگه می خواید الگوی های دیگه مثل آقای قرائتي باشی، خب سطح علوم عقلی می تواند متفاوت باشد.

#### نسبت علوم عقلی با تبلیغ و مبلّغ

یه حدی از علوم عقلی برای همه مبلغین لازم است. چرا؟ چون طرف بالاخره باید اسلام رو تبلیغ کنه دیگه. دین اسلم یه بخش مهمش بحث های معارفی و عقایدی است. اگر بخوایم بین این ۵ تا حد مشترکی انتخاب کنیم، کلام است. لزوما هم کلام مطلوب نه. کلام مرسوم برای خیلیا لازم است ولی هرچه بتونه کلام مطلوب رو کار کنه، بهتره. خود آقا خیلی روی کلام تاکید می کنند برای یک مبلغ.

### دسته پنجم؛ مبلغ خارجی

نکته اضافی اینجا این است که باید مسلح به زبان بین المللی باشد. زبان بین المللی یه موقع هست منظور همین زبان انگلیسی هست، یه موقع هست منظور زبان فطرته. مبلغ خارجی باید مسلط به زبان فطرت باشد. زبان فطرت چیست؟ یک بخشش عقل است؛ یعنی استدلالات محضی عقل. نتیحه اش این است که برای مبلغ خارجی، فلسفه خیلی جدی است. یعنی باید مسلط به کلام مطلوب با پشتوانه فلسفی باشی. البته آقا اشاره دارن که طلاب خارجی بیشتر باید کار ویژشون رو تبلیغ در خارج قرار بدن. آقا برای این دسته عرفان نظری هم رو در مواردی شمردن، چرا؟ چون زبان فطرت است؛ مشترک بین همه انسان هاست.

#### از عناصر ضروری برای مبلّغ خارج از کشور؛ تسلّط به جریانات ظلم ستیزی و ضد استعمار جهانی

یه ضلع دیگه ای هم هست که در حوزه براش درسی هم نداریم؛ تسلط به جریان های ظلم ستیزی و ضد استعماریِ جهانی. این به شدت در خارج جواب میده که تسلط بر تاریخ جهان ۲۰۰ ساله اخیر داشته باشی با رویکرد ظالم و مظلوم. این رو که تسلط داشته باشی تو اوجش جریان عاشورا رو اگر تو این بسترِ تاریخ ظالم و مظلوم مطرح کنی، ضربه نهایی رو بر فطرت اینا میزنه.

#### نقش عاشورا و مصیبت ابی عبدالله الحسین علیه السلام در تبلیغ خارج از کشور

من این رو از بزرگترین مبلغین خارجی شنیدم، از خودم نمیگم. گفتن بحث های فلسفی و عقلی و کلامی و... به دردمون خورده ولی هیچ چیز مثل داستان امام حسین علیه السلام، اگر خوب تقریر بشه و سرجاش بشینه، اثر نداشته.

این به اجمالی برای این سه قدم.

## حسن ختام؛ چند جمله از بزرگان

### دعوای بینِ کلام و فلسفه؛ تمدّن سوز نه تمدّن ساز

بعضی اساتید یه دعواهایی بین کلام و فلسفه القا می کنن، که یه دعوای تمدن سوزی هست و خیلی راحت تر از اینا میشه این دعوا رو جمع کرد. بهترین کسی که خیلی روان و واضح این رو توضیح دادن، خود حضرت آقا هستند. ایشان صحبت هایی مفصلی دارند که شما رو ارجاع میدم به حوزه مطلوب، صوت ۱۴ و ۱۵.

### مروری بر برخی بیانات مقام معظم رهبری دامت برکاته

"صحبت آقا، 29/10/82 " ننوشتم.

آقا می فرمایند فلسفه و کلام مکمل هم هستند. فلسفه بنیاد و زیر بناست و کلام رو بناست. کلام متصدی پاسخگویی به شبهات روز است ولی فلسفه مبانی این پاسخ هاست. کلام از اونجایی شروع میشه که فلسفه تمام میشه. این نگاه کلان آقاست.

"صحبت آقا، 15/11/75 " ننوشتم.

ببینید **آقا اصرار دارن بفرمایند که کلام و فلسفه و عرفان نظری از یک خانواده هستن. شما باید این یک خانواده بودن رو درک کنید، محور این خانواده درک حقایق و معارف هستی است.**

آقا در صحبت 18/02/72 وقتی می خوان این خانواده رو بیان کنند، اسمی براش میزارن: فقه الله الاکبر. یعنی معارف یعنی عقاید، یعنی دفاع از حریم اعتقادات.

### تشبیه علوم عقلی بر یک خانواده با محوریتِ فهم اجتهادیِ آیات و روایات و درک هستی

کلام و فلسفه و عرفان یه خانواده هستند. پایه این ها منطق است. نتیجه اش چی هست؟ فهم اجتهادی از آیات و روایات.

آقا در صحبت 08/10/80 خیلی جالب نسبت فلسفه و کلام را بیان می کنند: "عده ای معتقدند اسلام فلسفه نمی خواهد. این مثل آن است که گفته شود دندان انسان مینا نمی خواهد! مینا که دندان نیست، اصل دندان است. فلسفه حفاظ اعتقادی است". خیلی جالبه این تعابیر.

در تاریخ 23/11/91 می فرمایند:" فلسفه را باید به عنوان علم دینی محض به حساب آورد. خب جایش کجاست؟ جایش در مسجد است". این حرف خیلی جای باز شدن دارد.

### نکته اوّل؛ تفکیک بین کلام مرسوم و کلام مطلوب در صحبت های مقام معظم رهبری دامت برکاته

نکته: در صحبت های آقا بین کلام مرسوم و کلام مطلوب تفکیک کنید. هرجا ایشون از کلام تعریف می کنند و میگن باید بریم سراغ کلام، منظورشون کلام مطلوب است. ولی بعضی جاها میگن کلا کلام را برای مجمع تقریب مذاهب کنار می‌گذاشتم، این منظورشون کلام مرسوم است.

### نکته دوّم؛ حواس جمع: وقتی می فرمایند کلام بخوانیم، منظور کلام مرسوم نیست. منظور شرح تجرید نیست

گول نخورید؛ جاهایی که آقا میگن باید روی کلام وقت بزاریم، منظورشون مباحث کلامی در کتب رسمی حوزه نیست. یه چیز اعمی هست که کل مباحث اعتقادی و فلسفی رو شامل می شود. این رو با استناد به صحبت های خودشون میگم. صحبت ایشون در تاریخ 15/09/74 مفصل و مهم است. ایشون در این صحبت میگن:" **کلام واقعیِ شیعه، فلسفه است.** سبک کار های متکلمین اهل سنت نیست. من که می‌گویم کلام، منظورم شرح تجرید نیست! تا کسی بیاید شرح تجرید بخواند."

آقا در صحبت 26/06/78 می فرمایند:" رشته های اصلی در حوزه های علمیه سه تاست: اول فقه، دوم کلام، سوم فلسفه".

اینجا که فلسفه را کنار کلام میارن، منظور کلام اخص هست. کلام اخص هم خیلی مهمه یهو از این طرف نیفتید. ایشون میگن فقه ستون فقرات حوزه است، کلام جزو پایه هاست. فلسفه هم جزو لوازم حتمی است. بعد ایشون جلوتر میگن تفسیر هم به اندازه کلام و فلسفه اهمیت ندارد. آقا میگن علوم دیگری هست که در کتار این سه علم باید با آن ها آشنا شد. باید با تفسیر آشنا شد. **نکتش این است که اگر تفسیر بخواد به معنای فنی کلمه باشه، باید توسط مجتهد کلامی یا مجتهد فلسفی یا مجتهد فقهی گفته بشه. کسی نمیتونه بگه من مجتهدِ تفسیری هستم.**

### ملاک کلام مطلوب؛ بحث های شهید مطهری رضوان الله علیه

خود آقا در ادامه صحبت قبلی می فرمایند:" امروز ما در خصوص کلام به مباحث دیگری نیاز داریم؛ همان مباحثی که مرحوم مطهری مطرح می کرد." اصلا ملاک کلام مطلوب بحث های شهید مطهری است. این رو چندجا آقا گفتن. منم در جلسات سیر مطالعاتی، صحبت های آقا رو خواندم مفصل.

ببینید آقا میخوان بگن این کلام یه واژه مشترک هست، فقط نرو تو بحث های کلامی تو کتب مرسوم حوزه. آقا مثالِ اسلام و مقتضیات زمان شهید مطهری رو میزنن. آقا میگن بحث های کلامی امروز این هاست. اینارو تو کتب مرسوم پیدا نمی‌کنید. نکته: یهو نتیجه غلط نگیرید که کتب مرسوم کلامی به درد نمی خوره ها! اونا پایه هست. کتب مرسوم اصول دین ( توحید و نبوت و معاد و غیره) رو به تو میده و تو باید اونا به سوالات روز امتداد بدی. این سخته که شهید مطهری این کار رو کردن.

### تعبیرِ "کلام جدید" در بیانات مقام معظم رهبری و تفاوت آن با کلامِ جدیدِ در بازار

آقا بعضی جاها میگن منظور من از کلام، کلام جدید است. باز این رو نگیرید و برید کتابای کلام جدید رو بخریدا. کلام جدید الان تو بازار به معنای خاصی استعمال می شود و غالبا ناظر به سوالاتی است که از مکاتب غربی انتشار می شود و اکثرا ریشه نسبیت گرایی دارد. منظور آقا از کلام جدید، اعم است. یعنی هرسوال و مطلبی که به درد فضای اعتقادی در عصر حاضر بخورد. در یک کلام؛ کاری که شهید مطهری کردند. لِمّ کار شهید مطهری همین کلام مطلوب و اعم است. به تمام نیاز های اعتقادیِ روزِ جامعه پرداختن. مشکل این است که برای این دایره وسیع اسم نداریم. آقا مجبورن بگن کلام.

در سه جلسه گعده کلام، بین روش تحصیل کلام مرسوم و کلام جدید به معنای اخص و کلام اعم تفکیک کردیم و مفصل توضیح دادیم.

درباره عرفان نظری هم آقا می فرمایند که باید به سلوک عملی بیانجامد.

### حسن ختامی در مورد علمِ کلام؛ بسیار جالب و مهم

آقا میفرمایند:" واقعا بنده معتقدم یکی از دو سه علاج قطعیِ حوزه و دنیای اسلام و ذهنیتِ جامعهِ خود ما، این است که علم کلام هم مثل فقه در حوزه، یکی از دو علم بشود! یک عده فقیه بشوند یک عده متکلم."

تعجب نمی کنید از این جمله؟! خود آقا میگن یکی از دو سه علاج قطعی دنیای اسلام!!!

متاسفانه ذهنیت حوزه و اکثر طلاب این است که حوزه یه تنه اصلی دارد به نام فقه و اصول و یه شاخ و برگ هایی دارد که فرعی است مثل فلسفه و ...!!!

شما بر اساس نگاه های آقا و امام، برنامه علوم عقلی تون رو بچینید. طلاب باید در کنار فقه و اصول قوی که در حوزه می خونیم، با غنی کردنِ تحصیل بدایه و نهایه و کلام، این ضعف علوم عقلی در حوزه رو جبران کنیم. ان شاء الله تفصیل و عملیاتیِ این برنامه رو در جلسات آینده عرض می کنیم.

و صلّی الله علی سیدنا و نبینا